

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت المیادین- نویسنده: حسنی محلی
برگردان از: احمد مزارعی
۱۱ فبروری ۲۰۲۱

بازگشت جوبایدن به منطقه... آیا ایران پیروز شد؟ و چگونه؟



جو بایدن رئیس جمهور امریکا و دستیاران دیپلمات و نظامی اش بخوبی می دانند که برای حل بحران پیچیده سوریه به جز توافق با ایران راه حل دیگری وجود ندارد، ایران شریک اساسی ترکیه و روسیه در برنامه «آستانه» و «سوچی» می باشد، از طرفی امریکائیه‌ها بخوبی درک کرده اند که حضور ایران در سوریه معادله بسیار سختی می باشد. (۱)
جو بایدن روز پنجشنبه گذشته طی اطلاعیه ای اعلام داشت که کمکهای امریکا را بر روی تجاوزات عربستان و امارات در جنگ یمن متوقف خواهد کرد، و در همین حال آقای «تیم لیندرکینگ» را به مسئولیت پرونده یمن انتخاب نمود و یک روز بعد از کنگره امریکا خواست که «انصار الله» یمن را از لیست سازمانهای تروریستی خارج کند که این خود نشاندهنده سمتگیری تازه ای از سیاستهای تازه و اشنگتن در منطقه می باشد که از شمال افریقا تا پاکستان و افغانستان که همسایگان ایران هستند، امتداد می یابد.

اینموضوع آنقدر واضح است که دیگر به منجم نیاز نیست که به ما بگوید مرحله فعلی درصديت با ایران نیست و نیز لازم به گفتن ندارد که این مرحله نشاندهنده پیروزی دیپلوماسی ایران طی چهار سال گذشته است. علی رغم همه آنچه که ترمپ برای فشار به ضد ایران به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در قدرت داشت، و یا در خلال سیاستهای ضد ایرانی خود در عراق، سوریه، لبنان و اخیراً ترور دو شهید قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، اما ایران سرسختانه و استوار به

ضد همه این تهاجمات خبیثانه ایستادگی نمود و مهمترین این فشارها و توطئه ها «عادی سازی» رابطه میان میان تل ابیب و امارات و بحرین در آنسوی غربی خلیج (فارس) بود ، و در همراهی با آنها پادشاهی عمان بود که نتنهاو از آنجا بازدید نمود و عربستان که کنام تاریخی همه توطئه های تاریخی به حساب می آید.

بسیاری بر این باورند که سیاست ایستادگی سرسختانه ایران در مقابل امریکا، دلایلی اساسی و کافی است که جو بایدن سیاست تازه ای را در منطقه و در قبال ایران اتخاذ کند. این درست است و اگر بایدن صادق باشد که صحبت از «مرحله تازه ای از دیپلوماسی امریکا» به میان آورده است. دستیارانی که جو بایدن برای دیپلوماسی و پیشبرد سیاستهای تازه خود انتخاب نموده است کسانی هستند که بیشترین مهارتها و شناختها را از امکاناتی که تهران در منطقه در اختیار دارد آگاهی دارند و این امر به بایدن امکان می دهد تا در وضعیت پیچیده موجود بتواند رخنه ای ایجاد کند.

می توان گفت بهترین تفسیر این سیاست تازه بایدن متوقف ساختن کمک امریکا به تجاوزات عربستان و امارات علیه یمن است، همچنین ریاستش در اولین جلسه «مجلس امنیت ملی امریکا» است که روز جمعه برگزار شد و اولویت مذاکرات درباره «قرارداد هسته ئی ایران» بود و به معنای بحث درباره همه مشکلات منطقه در هماهنگی با همیمانان اروپایی بود.

به زبانی دیگر، مذاکره های احتمالی میان ایران و امریکا مجموعه کامل و متشکلی از موضعگیریها و قضایایی است که برای بایدن اگر جدی و صادق باشد آنطور که اظهار می دارد ، امکان ندارد بتواند آنها را بدون توافق با ایران حل کند، بازگشت امریکا و اروپا به قرارداد هسته ئی و ایفای تعهدات خود، علی رغم مانورهای خبیثانه فرانسه، به واشنگتن کمک خواهد کرد که مهمترین دوشکل بسیار پیچیده از نظر خود که آن دو عراق و افغانستان می باشد ، برای حل این دوشکل هیچ راهی وجود ندارد مگر این که بایدن با همسایه آنها یعنی ایران هماهنگ کند.

همچنین رئیس جمهور امریکا بایدن و همکاران دیپلمات و نظامی وی بخوبی می دانند که برای حل بحران بسیار پیچیده سوریه نیز راهی به جز از طریق همکاری با ایران وجود ندارد زیرا ایران غیر از نفوذ عمیق و همه جانبه خود در سوریه ، شریک ترکیه و روسیه در کنفرانسهای آستانه و سوچی می باشد ، پس از مذاکرات طولانی (پنجشنبه) که میان دو وزیر روسی و امریکائی، لاوروف و بلینکن در مورد سوریه ، لیبیا و بعضی امور دیگر انجام یافت ، امریکائیه متوجه شدند که حضور ایران در سوریه معادله بسیار سختی است و این نه فقط به خاطر مسائل خاص خودشان ، بلکه برای عموم منطقه ، کمک ایران به حزب الله لبنان از طریق سوریه که مسأله بسیار مهمی برای اسرائیل می باشد که تا هم اکنون بایدن با نتنهاو مکالمه تلفونی برقرار نکرده است ، همچنین کوششهای متعدد اردوخان نیز برای مکالمه با جو بایدن بی نتیجه مانده است.

تحلیل این عدم ارتباط گیری وزیر بلینکن تا کنون، با همتای ترکی خود چاویش اوغلو را نیز باید در پرتو مسائل فوق دید، وزارتخانه چاویش اوغلو چندی پیش با صدور بیانیه ای شدید اللحن به انتقاد از سیاست واشنگتن پرداخت که چرا علیه برخوردهای نادرست دولت ترکیه با دانشجویان دانشگاه بوسفور موضعگیری کرده و آن را محکوم نموده است.

باید در مورد موضعگیری بلینکن وجو بایدن رئیس فعلی وی نسبت به موضعگیری منفی آنها نسبت به اردوخان، یاد آوری کرد که آنها در اول ماه اکتوبر سال ۲۰۱۴، در همراهی با عربستان و امارات وی را یعنی اردوخان را متهم نمودند که «مسئول عملکرد گروههای تروریستی و در پیشاپیش آنها داعش و النصره» در سوریه می باشد.

ضرورت توضیح این موضوع در میان محافل سیاسی از این نظر نیز اهمیت دارد که اوپاما در اولین مسافرت خارجی خود در تاریخ ششم اپریل ۲۰۰۹، به ترکیه در جهت تبلیغ سیاسی برای اردوخان و تجربه حزب «عدالت و توسعه» وی در منطقه جغرافیائی اعراب و اسلامی، در جهت پیشبرد برنامه «خاور میانه بزرگ» انجام گرفت. (۲) از نظر

سیاستمداران و اشننگتن نقشی که اردوخان در این مرحله یعنی «بهار عربی» در سوریه و منطقه به طور عموم به اجراء درآورد از نظر اوباما و معاون وی جو بایدن فاجعه بار بود و درحقیقت سیاست اردوخان باعث امتداد و گسترش «داعش» در منطقه گردید، همچنین جو بایدن نارضایتی خود را از سیاستهای داخلی اردوخان پنهان نمی دارد و آن را «استبدادی می داند و باور دارد که باید به وسیله تقویت مخالفانش پایانی بر استبداد وی گذاشت».

بازگشت به قرارداد هسته ئی و اقدام در جهت حل مشکلات منطقه از طریق نزدیکی با ایران روش دیگر امریکا برای انتقام گیری از اردوخان و بقای نظامی وی در سوریه ، صومال ، قطر ، و لیبیا می باشد که البته چندان آسان نیست، به ویژه که در انتخابات اخیر انتقال قدرت در لیبیا طرفداران ترکیه بیشترین رأی را آورده اند.

از سوئی وزیر کشور ترکیه ، سلیمان صویلو امریکارا متهم نمود که مسؤول کودتای شکست خورده ماه جون سال ۲۰۱۶، و کودتاهای سابق در این کشور می باشد که این خود نیز بر تیره تر شدن رابطه و مذاکرات آینده امریکا - ترکیه ، تاثیر منفی دارد. بعید به نظرمی رسد که مذاکرات دو کشور بزودی آغاز گردد ، زیرا مسیر آن از تونلی تاریک می گذرد که بزودی نور نخواهد دید. نتیجه این حوادث و اتهامات این خواهد شد که بسیاری پرونده های بسته گشوده و حل نخواهد شد، از جمله اختلافات آینده در مورد اختلاف کشورهای خلیج با ایران و انعکاسات آن بر اسرائیل که همپیمان ستراتیژیک و سنتی امریکا می باشد.

دولت امریکا که بنا به عوامل گوناگونی در مورد «بمب اتمی سنی» پاکستان سکوت کرده است ، نمی خواهد در مورد «بمب اتمی شیعه» ایرانی رضایت بدهد زیرا مصدر نگرانی برای اسرائیل خواهد شد، به ویژه این که همپیمانی نظامهای خلیجی با اسرائیل در این برهه برای امریکا مهم است.

این وضعیت باید جو بایدن را وادار نماید تا به مجموعه امور نگاهی کلی و وابسته به یک دیگر بنگرد، به این معنی که در مورد مجموع مشکلات منطقه باید توافقی با ایران انجام بگیرد که به همه بحرانهای موجود در منطقه و مابین دو کشور پایان دهد . امریکا در گذشته ، در این مورد و برای حل بحرانهای منطقه ئی خود، خاندان آل سعود و سایر نظامات موجود در خلیج (فارس) و سایر کشورهای عربی و اسلامی ، از جمله پاکستان و ترکیه را آزمایش نموده ولی نتوانسته است به بحران خود در منطقه پایان بدهد.

بدون شک حل اینهمه مسائل در صورتی تحقق خواهد یافت که جو بایدن در گفتارهای خود جدی باشد و بخواهد تأثیری جدی و ریشه ئی در مورد آینده امریکا داشته باشد، برای حل مشکلات داخلی امریکا هیچ راهی وجود ندارد مگر به روشی جدید و عقلانی که نیازمند مذاکره های ایجابی و سازنده با همه طرفهای درگیر به ویژه آنهایی که برگهای قوی و برنده ای در اختیار دارند و در شرایط فعلی فقط ایران چنین نیروئی در منطقه می باشد، زیرا همه برگهای سایر نیروها در منطقه ساقط شده و از کارائی افتاده است.

اگر توصیفات فوق دقیق باشد روز هائی نچندان طولانی آینده در درون خود برای همگان بسیاری شگفتیها خواهد داشت، در حال حاضر اسرائیل مدتها است مشغول اجرای انتخابات است ، اردوخان در نگرانی موضعگیری امریکا به ضد خود و به ضد ترکیه به سر می برد ، خاندان آل سعود از وحشت آنچه بر سر خاشقچی آورده اند خواب شب ندارند زیرا بایدن پرونده آنها را به کنگره امریکا احاله خواهد داد.

در حال حاضر همه چیز در گرو قدرت تاکتیک و ستراتیژی ایران در مقابله با انواع سناریوهای احتمالی می باشد که به نظر می رسد اشاره هائی ایجابی زیادی در پیش رو دارد و به رهبران ایران کمک خواهد کرد که از این شرایط بخوبی بهره برداری کرده و بتواند این فرصت را تبدیل به آنچنان دستاوردهائی کند که هم خود و هم این که همه هم پیمانانش بتوانند همه مشکلاتی را که طی دهسال گذشته با تمام جزئیات و تفصیلات متحمل شدند جبران کنند ، به ویژه این که علت

اصلی همه این درد و رنجها و خسارتها به طور مستقیم بر عهده واشنگتن بوده به خصوص در دوره اوباما و ترامپ. اکنون سؤال این است :

ایا رئیس جمهور بایدن به این فکر می کند که پرونده های گذشته را پشت سر گذارد؟ و آیا نظام سنتی امریکا به وی اجازه می دهد که به این کار مبادرت بورزد تا فرصت پیدا کند به قضایای بزرگتر داخلی و خارجی بپردازد و یا این که هر آنچه ما شاهدیم به جز تاکتیکی سنتی – امریکائی بیش نیست که در گذشته و پس از جنگ جهانی دوم به دیدن آن عادت کرده ایم؟

پاسخ من به دستاوردهای قابل لمس موجود : در اینجا امیدواریهای محتاطانه ای وجود دارد که دمشق و تهران و هم پیمانان منطقه ئی و بین المللی آنها باید با منتها درجه درایت و کار کشتگی و ذکاوت سیاسی، امور را از تمام زوایا بررسی کنند تا جزئیات را از حیث کمی و کیفی بخوبی بشناسند و در جهت کسب بزرگترین دستاوردها به کار گیرند، و این امر با استفاده از حکمت و فراست چیز بعیدی نیست.

زیر نویسها از مترجم است :

(۱) موقعیت ایران در سوریه بسیار مهمتر از روسیه می باشد، در روسیه دوجناح پوتین و مد ویدوف وجود دارد که پوتین از طرف بلشویکهای قدیمی و ستالینیستها و مد ویدوف از طرف سرمایه داران یهودی صهیونیست اسرائیلی حمایت می شوند این دومی می کوشد سوریه را با اسرائیل آشتی داده و مسأله ملی در سوریه و مقاومت فلسطین را از میان بردارد و ایران را نیز از سوریه اخراج کند که این از نظر دولت علوی و ملی گرایان سوریه از محالات است ، مدویدوفیها تا کنون چند بار قانون اساسی تازه ای برای سوریه تهیه کرده که در آن مقاومت فلسطین و ملی گرائی عربی نادیده گرفته شده که مورد خشم و غضب اکثریت روشنفکران سوریه و حزب الله لبنان قرار گرفته است. ایران در اینمورد در کنار دولت سوریه و حزب الله قرار دارد. با تحلیلها و موضعگیریهای که در میان روشنفکران سوریه وجود دارد معروفترین نویسندگان سوریه و لبنان بر این باورند که پوتین در نهایت در کنار دولت سوریه قرار خواهد گرفت و از اسرائیل دوری خواهد گزید.

(۲) طرح خاورمیانه تقسیم منطقه بود و این که همه کشورهای اخوان المسلمینی منطقه اطراف ایران از امارات گرفته تا عمان و قطر و بحرین و عربستان و پاکستان با کمک ترکیه، ایران را در محدوده جغرافیائی اش زندانی و با ارسال هزاران تروریست داعشی و تو خود حدیث مفصل بخوان ... / هزاران درود بر روح بزرگ قاسم سلیمانی که نه فقط ایران بلکه منطقه را از لوٹ وجود تروریستهای داعشی پاک و امریکارا زمینگیر کرد.

سه شنبه بیست و یکم بهمن ۱۳۹۹